

عالم و متکلم بزرگ تاریخ اسلام

# امام فخرالدین رازی

واحدبخش یار احمدزهی

## مقدمه

اگرچه بنیاد علوم عقلی در دولت عباسی نهاده شد و تا قرن چهارم هجری در میان مسلمانان حکما و متکلمان بزرگی عرض اندام کردند، لکن پیشرفت اصلی علوم عقلی در قرن پنجم رخ نمود و از ویژگی بارز این قرن آوازه غیرقابل وصف امام غزالی در علوم عقلی بود. تا قبل از قرن پنجم، مشاهیر و فرزاندانی که پیدا می شدند تخصص و مهارت برخی در فلسفه و حکمت بود و آوازه برخی در علم کلام، اما کتاب‌هایی را که این افراد در زمینه فلسفه و کلام به رشته تحریر درآورده بودند، در نهایت پیچیدگی و ابهام قرار داشت و افکار و آرای پراکنده و ناتمامی بود. قبل از همه امام غزالی این گره پیچیده را باز کرد و آرا و افکار پراکنده و منتشر را جمع کرد، و پس از ایشان، امام رازی پا به این میدان نهاد و بیش از غزالی از وضاحت و تفصیل کار گرفت. فخر رازی به تمام افکار و آرای فلسفی و کلامی پیش از خود نگاهی نقادانه انداخت، از این رو جامعیت و وضاحتی که در آثار و تصنیفات ایشان یافت می شود در آثار هیچ‌یک از متقدمین و متأخرین یافت نمی شود.<sup>(۱)</sup>

عصری که امام فخرالدین رازی در آن چشم به دنیا گشود، عصری بود که ضعف و انحطاط سرزمین‌های اسلامی را به صورت عام و دولت عباسی را به صورت خاص فراگرفته بود. برخی عوامل ضعف و انحطاط عبارت بود از: ۱- تنافر و تنافس ملوک و امرا که منجر به تفکیک و تضعیف دستگاه دولت مرکزی می شد؛ ۲- جنگ‌های صلیبی و پیامدهای سوء آن؛ ۳- سیطره قوای مغول بر مرزهای شرقی بلاد اسلامی.

این عوامل و مواردی از این قبیل، سرانجام به سقوط بغداد به دست هلاکوخان منجر شد. اوضاع و احوال اجتماعی عصر رازی از اوضاع و احوال سیاسی آن بهتر نبود؛ اما اگر از جنبه علمی بررسی نماییم می بینیم که بعد علمی این عصر از دو بعد سیاسی و اجتماعی بهتر و آوازه بسیاری از علما در محافل علمی طنین انداز بود.

## نام و خاندان و سلسله علمی

فخرالدین محمد بن عمر بن حسین رازی، ۲۵ رمضان ۵۴۳ یا ۵۴۴ در شهر ری به دنیا آمد. در نسبش کلمه تیمی بکری ذکر شده است که می‌رساند خاندان او نسب خود را به ابوبکر صدیق رضی الله عنه، خلیفه اول از خلفای راشدین، می‌رسانده‌اند. پدرش، ضیاءالدین عمر، عالم به فقه و اصول و کلام بود و در خطابه و وعظ دستی بلند داشت، به همین جهت فخر رازی را ابن الخطیب هم می‌گفتند. فخر رازی در کلام مذهب اشعری و در فقه مذهب شافعی داشت و سلسله استادان خود را در کلام به این طریق به امام ابوالحسن اشعری می‌رساند



اشعری و اهل سنت، از روش امام باقلانی پیروی نکرد، و در کلام از استدلال فلسفی استفاده کرد. هر مسئله‌ای را مورد اعتراض و تشکیک قرار می‌داد و بر گفته‌های پیشینیان خرده می‌گرفت. هر چند در ایراد و اعتراض کوشا بود، به اثبات چندان علاقه‌ای نداشت. از بس تشکیک و اعتراض در مسائل کرد، او را لقب «امام المشککین» دادند. اما شکوک و اعتراضات او بیشتر در مسائل فلسفی و علمی محض بود، نه در تقریر عقاید اسلامی بنابر عقاید اهل سنت، زیرا همت او مقصور بر دفاع اسلام و اثبات عقاید اهل سنت بود. چون در مسائل فلسفی و علمی تشکیک می‌کرد، گاهی در یک مسئله در موارد مختلف عقاید متضاد ابراز می‌داشت. ادله اثبات افلاک را سست می‌دانست و در مسئله جوهر و هیولا و صورت نیز عقاید مختلف اظهار کرده است. کتاب اشارات ابن سینا را شرح کرد و در آن چنان به عقاید ابن سینا اشکال و ایراد وارد کرد که بعضی از ظریفان «شرح» او را «جرح» نامیدند. فلاسفه بعدی، مخصوصاً نصیرالدین طوسی و صدرالدین شیرازی (ملا صدرا) هر چند مخالف او بودند، وقت زیادی در رد تشکیکات او صرف کرده‌اند، و این خود دلیل عظمت و نفوذ او در افکار متفکرین بعد از خودش می‌باشد. بزرگ‌ترین دشمنان او در درجه اول کرامیه بودند که در آن عصر در بلاد شرقی خراسان نفوذ فوق‌العاده داشته‌اند. از مخالفت او با اسماعیلیه و تهدید کردن فدائیان او راه داستان‌هایی در کتاب‌ها نقل کرده‌اند. در وصیت‌نامه‌ای که از او مانده است می‌گوید هر دلیلی که بر اثبات وحدانیت و تنزیه خداوند موجود است او آن را می‌پذیرد و در مسائل غامض و دقیق دینی پیرو قرآن و احادیث صحیح و اجماع مسلمین است و ایراداتی را که بر کتب پیشینیان کرده است، فقط برای بحث و برانگیختن ذهن و خاطر خوانندگان بوده است. از فخر رازی اشعاری به عربی و فارسی مانده است که دلالت دارد بر این‌که سرانجام از کثرت بحث خسته شده است و از آن همه قیل و قال بهره‌ای نگرفته است.<sup>(۳)</sup>

همچنین گفته است: از علوم آن اندازه که تحصیل آن به حسب نیروی بشری است، یافتیم، و اینک آرزویی جز ملاقات پروردگار باقی نمانده است. راه‌های گوناگون کلامی و مناهج فلسفی را آزمودم، اما بهترین راه، راه قرآن کریم را یافتیم، زیرا قرآن به‌سوی تسلیم

فخر رازی ساخت. فخر رازی در هرات به تدریس و وعظ پرداخت و با کرامیه که آن وقت در هرات و دیگر شهرهای غور قوی بودند، درافتاد. در سال ۵۹۵ هجری رازی در فیروزکوه، در حضور غیاث‌الدین و فقهای شافعی و حنفی، با ابن‌القدوه از پیشوایان کرامیه بحث کرد و کار به مشاجره کشید و غیاث‌الدین از مجلس برخاست؛ ولی رازی سخت بر ابن‌القدوه تاخت و این امر بر کرامیه بسیار گران آمد. ضیاء‌الدین، پسر عم غیاث‌الدین، که از جمله کرامیه بود، جانب ابن‌القدوه را گرفت و عوام را علیه فخر رازی چنان شورانیدند که غیاث‌الدین از رازی خواست که به هرات بازگردد. پس از آن، امام فخر رازی مدتی نیز در خراسان بود و سلطان محمد خوارزمشاه، در احترام و بزرگداشت او سخت کوشید. در حدود سال ۶۰۲ هجری که شهاب‌الدین غوری از سفر هند بازمی‌گشته، رازی همراه او بوده است و چون شهاب‌الدین در این سفر کشته می‌شود، عده‌ای توطئه قتل او را به فخر رازی نسبت می‌دهند، زیرا میان رازی و سلطان محمد خوارزمشاه دوستی بوده است. غلامان شهاب‌الدین در صدد قتل امام رازی برمی‌آیند و او متواری می‌شود. رازی اواخر زندگی خود را در هرات به‌سر می‌برده است و در آن زمان هرات در تصرف محمد خوارزمشاه بوده است. خانه فخر رازی در هرات خانه سلطنتی بوده است که خوارزمشاه به او بخشیده بوده است.<sup>(۳)</sup>

#### شخصیت و دیدگاه‌های رازی

ایشان سخنرانی زبردست بود و مردم مدام برای شنیدن مجالس پند و اندرز او با رغبت حاضر می‌شدند. وی مورد احترام فوق‌العاده پادشاهان و حکام معاصر خود قرار گرفت و ثروت و اعتبار زیادی به دست آورد. در جدل و مناظره بسیار قوی بود و کسی را یارای جر و بحث با او نبود. در علوم زمان خود فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، طب و ریاضیات متبحر بود و در تمام این زمینه‌ها تألیفات درخوری دارد. تألیفات او هم مانند خودش شهرت و اهمیت فراوان یافت و در سرتا سر ممالک اسلامی مورد بحث و تحقیق قرار گرفت. ذهنی آزاد و مستقل داشت و سعی می‌کرد که تحت تأثیر هیچ مکتبی قرار نگیرد. با این همه، در کلام بر مذهب اشعری و در فقه بر مذهب شافعی بود؛ اما در اثبات عقاید

که او شاگرد پدرش ضیاء‌الدین عمر، و او شاگرد ابوالقاسم سلیمان بن ناصر انصاری، و او شاگرد امام‌الحرمین جوینی، و او شاگرد ابواسحاق اسفراینی، و او شاگرد ابوالحسن اشعری بوده است. سلسله استادان او تا امام شافعی از این قرار است: او از پدرش ضیاء‌الدین عمر، و او از ابومحمد فراء بغوی، و او از قاضی حسین مروزی، و او از ابوالعباس ابن‌سریج، و او از ابوالقاسم انماطی، و او از ابوابراهیم مزنی، و او از امام شافعی. استاد او در فلسفه و کلام مجدالدین جبلی بوده است، و چون از مجدالدین جبلی برای تدریس در مراغه دعوت کردند، فخر رازی همراه او به مراغه رفت و مدتی در آنجا نزد او درس خواند. فخر رازی در مرند هم تحصیل کرده است، و در آنجا در مدرسه‌ای که پدر محی‌الدین، قاضی مرند، بنا کرده بود به تحصیل فقه و حکمت پرداخت.<sup>(۳)</sup>

#### مسافرت‌های رازی

فخر رازی برای تحصیل علم و تدریس و تقریر خطابه‌های علمی به شهرهای بزرگ و مراکز علمی سفر کرده است. از جمله سفرهای او یکی سفر به خوارزم است، که در آنجا با معتزله درافتاد و سرانجام از آنجا اخراج شد. پس از آن، به ماوراءالنهر رفت و در شهر بخارا، سمرقند، خجند و بناکت با فقه و علما مباحثاتی داشت، از جمله با رضی‌الدین نیشابوری، نورالدین صابونی، رکن‌الدین قزوینی، شرف‌الدین مسعودی و فرید غیلانی مناظره کرد و بر همه غالب آمد که شرح این مناظرات را در رساله‌ای آورده است. در سال ۵۸۲ هجری در سمرقند با شرف‌الدین مسعودی درباره حکم معروفی که منجمین به وقوع طوفان بادی در همان سال داده بودند، بحث کرد و بطلان حکم مذکور و به‌طور کلی بطلان احکام نجومی را ثابت کرد. فخرالدین مدتی هم نزد بهاء‌الدین سام، پسر خواهر شهاب‌الدین و غیاث‌الدین محمدسسام غوری، که در ۵۹۴ هجری بلخ را متصرف شده بود، بوده است و کتاب البراهین البهائیه را به نام او تألیف کرده است. رازی از بامیان نزد غیاث‌الدین محمد سام غوری، برادر شهاب‌الدین مذکور، که مقرش در فیروزکوه بلاد غور بود، رفت. غیاث‌الدین در هرات (که آن وقت جزء مملکت غوریان بود) مدرسه‌ای در نزدیکی مسجدجامع برای

در برابر عظمت و جلال کبریایی دعوت می‌دهد و از تعمق در میدان معارضات و تناقض‌گویی منع می‌کند.<sup>(۵)</sup>

### علوم و معارف

رازی افضل علمای عصر خود بود و آوازه‌اش در گوشه و کنار جهان طنین‌انداز بود و تشنگان و پروانگان علوم از معارف ایشان بهره‌ها می‌بردند.<sup>(۶)</sup>

امام رازی در تفسیر عظیم خود «مفاتیح‌الغیب یا تفسیر کبیر» تحت آیه یکم سوره «العصر» عبارتی آورده است که ترجمه آن چنین است: «خداوند قسم یاد فرمود به عصر، و عصر همان زمان است که عجایب در آن به ظهور می‌پیوندد، زمانه است که خوشی و ناخوشی در آن پیش می‌آید، و در زمانه است که تندرستی و بیماری و هستی و نیستی حاصل می‌شود، و چیزی نیست که مانند عمر گران‌بها و گران‌قدر باشد. اگر کسی سال‌ها از عمر خود را ضایع کند ولی توفیق یابد که در اندکی از آخر عمر خود به هوش آمده و توجه کند و راه ایمان صحیح و اعمال صالح را پیش گیرد، همین توبه و شایسته‌کاری‌اش او را به بهشت جاویدان می‌رساند. و آن‌گاه می‌دانی که گرمی‌ترین ایام زندگی‌ات همان زمان اندکی بوده است که تو را به سعادت ابدی رسانیده است. بنابراین زمان از نعمت‌های اصلی پرودگار است و روی همین اصل است که خدای عزوجل قسم به زمان یاد فرمود و ما را آگاه فرمود که شب و روز فرصتی هستند که اشخاص غفلت‌زده قدر آن را نمی‌دانند و آن را بیهوده از دست می‌دهند. و زمان بر مکان شرف دارد برای این‌که زمان نعمتی خالص است که عیب در آن نیست و این آدمی است که دچار عیب قدرناشناسی زمان است و آن را از دست می‌دهد.»<sup>(۷)</sup>

علامه رازی در کتاب «حدائق‌الأنوار فی حقایق‌الأسرار» مشهور به «ستینی»، شصت رشته علمی را مورد بحث و کنکاش قرار می‌دهد که از مجموع این شصت رشته علمی، علوم و فنون زیر حائز اهمیت‌اند:

- ۱- علم کلام؛ ۲- علم اصول فقه؛ ۳- علم فرائض (میراث)؛ ۴- علم تفسیر؛ ۵- علم إعجاز‌القرآن؛ ۶- علم قرائت؛ ۷- علم حدیث؛ ۸- علم أسماء‌الرجال؛ ۹- علم تواریخ؛ ۱۰- علم مغازی؛ ۱۱- علم نحو؛ ۱۲- صرف؛ ۱۳- اشتقاق؛ ۱۴- علم العروض؛ ۱۵- قوافی؛ ۱۶-

بدیع‌الشعروالنثر؛ ۱۷- معانی؛ ۱۸- منطق؛ ۱۹- طبیعات؛ ۲۰- اخلاق؛ ۲۱- تدبیر منزل؛ ۲۲- سیاست؛ ۲۳- علم آلات حرب.

مروری بر آثار رازی نشان می‌دهد که ایشان با مذاهب و گروه‌هایی همچون: معتزله، خوارج، روافض، غلات، کرامیه، جبریه، مرجئه، صوفیه، متظاهرون بالاسلام و ... به مناظره و مجادله پرداخته و پرده از افکار و آرای آنان برداشته است و با استناد به حدیث نبی کریم صلی‌الله‌علیه‌وسلم «ما أنا علیه و أصحابی»، اهل سنت و جماعت را ناجی می‌نامد. حتی مناظره ایشان با سران معتزله سبب شد که ایشان را از شهر خوارزم اخراج کنند. برخی نویسندگان بر این باوراند که کرامیه بر اثر حسادتی که با ایشان داشتند او را مسموم کردند که سبب وفات ایشان گردید.<sup>(۸)</sup>

### تفسیر کبیر از نگاه برخی مفسران

#### و ویژگی‌های بارز آن

- علامه محمدعمر سربازی در مقدمه تفسیر تبیین‌الفرقان می‌نویسد: در طبقه هفتم [مفسران]، مفسرین بنامی وجود دارد و امام فخر رازی صاحب تفسیر کبیر، ستاره‌ای درخشان است در آسمان این طبقه. تفسیر مذکور از زمره معروف‌ترین و متداول‌ترین تفاسیر اهل سنت محسوب می‌شود.<sup>(۹)</sup>

- علامه مفتی محمدشفیع عثمانی می‌گوید: رازی را می‌توان پیش‌کسوت متکلمین اسلامی دانست. وی در این تفسیر (تفسیر کبیر) بیشتر بر مباحث عقلی و کلامی تکیه نموده و به رد اعتقادات فرق باطل همت گماشته است. بدین جهت تفسیر یادشده در نوع خود بی‌نظیر است. شیوه‌ای که در تفسیر و تشریح و توضیح معانی آیات و ربط آنها به یکدیگر به کار برده بسیار قابل تقدیر و تمجید است.<sup>(۱۰)</sup>

- شیخ‌الاسلام علامه محمدتقی عثمانی می‌نویسد: همان‌گونه که تفسیر ابن‌کثیر از لحاظ روایت تفسیر جامع و بی‌نظیر است، تفسیر کبیر نیز از لحاظ علوم درایت نظیری ندارد. برخی برچسب «فیه کل شیء إلا التفسیر» را به این کتاب زده‌اند، این برچسب ظلم بزرگی به این کتاب است. ویژگی‌های بارز تفسیر کبیر عبارت‌اند از: ۱- امام رازی تمام اقوال سلف را در ارتباط با تفسیر، ترکیب نحوی و شأن نزول آیه بسیار مرتب و منظم با شرح و توضیح کامل بیان می‌کند.

عموماً این مباحث در تفاسیر دیگر منتشر و پراکنده هستند طوری که برای درآوردن خلاصه بحث، وقت زیادی صرف می‌شود، اما در تفسیر کبیر این مطالب یک‌جا و به‌طور منظم یافته می‌شوند؛ ۲- عظمت و شوکت اسلوب بیان قرآن کریم را به تفصیل توضیح می‌دهد؛ ۳- احکام فقهی مربوط به آیه را با دلایل تفصیلی می‌آورد؛ ۴- تحریفی را که فرقه‌های باطل و عقل‌گرایان در تفسیر آیه مرتکب شده‌اند به‌طور کامل ذکر می‌کند. سپس به‌صورت مدلل و مفصل آن را رد می‌کند. رد جهمیه، معتزله، مجسمه، اباحیه و دیگر گروه‌های باطل زمان او در این کتاب وجود دارد؛ ۵- ویژگی دیگر تفسیر کبیر که کمتر به آن توجه شده بیان ربط آیات است. واقعیت امر این است که ربط و مناسبتی که او بین آیه‌ها بیان می‌کند عموماً آن‌قدر بی‌تکلف، دلنشین و معقول است که نه تنها دل از آن اطمینان می‌یابد بلکه فوق‌العاده انسان از عظمت قرآن کریم متأثر می‌شود؛ ۶- در مورد اسرار و حکمت‌های آیات قرآنی و احکام اسلامی مطالب شایسته‌ای دارد. تفسیر کبیر، تفسیری در نهایت جامعیت است، این تجربه شخصی بنده است. هرگاه در حل مفاهیم آیات قرآن با مشکلی روبه‌رو شده‌ام تفسیر کبیر راه‌گشا بوده است. البته توجه به چند نکته درباره این تفسیر ضرورت دارد: ۱- امام رازی این تفسیر را تا سوره فتح رسانده بود که وفات یافت. سپس قاضی شهاب‌الدین بن خلیل الخولی الدمشقی (م ۶۳۹هـ) یا شیخ نجم‌الدین احمد بن محمد القمولى (م ۷۷۷هـ) این تفسیر را به پایه تکمیل رساند. وی نیز کاملاً از شیوه نگارش امام رازی پیروی کرده است به‌گونه‌ای که اگر کسی از این مسئله خبر نداشته باشد بی‌هیچ تردیدی آن را نوشته خود امام رازی می‌داند. ۲- روایات تفسیر کبیر مثل دیگر تفاسیر مجموعه‌ای از رطب و یابس است. ۳- امام رازی در چند جا راهی غیر از جمهور مفسرین اختیار کرده است، مثلاً حدیث صحیح «لم یکذب ابراهیم الا ثلاث کذبات» را رد کرده است. بنابراین هر جا که او تکرور کرده است به مسلک جمهور باید عمل کرد.<sup>(۱۱)</sup>

### آثار

آثار فخر رازی در علوم نقلی و عقلی بسیاراند که مهم‌ترین آنها از قرار ذیل است:

- ۱- الأربعین فی أصول‌الدین، که شامل چهل

افتاده‌ست/ سودازده‌ای بر گذری افتاده‌ست/  
در وصل تو کی توان رسیدن کآنجا/ هر جا  
که نهی پای سری افتاده‌ست.<sup>(۱۶)</sup>

### وفات

در تاریخ دقیق وفات امام رازی اختلاف است، اما آنچه که مورد اتفاق بیشتر تذکره‌نویسان است، اول ماه شوال سال ۶۰۶ هجری در سن ۶۳ سالگی در شهر هرات است. امام بیشتر در شهر ری سکونت داشت، اما وقتی از ری به خوارزم آمد بیمار شد و در ۲۱ رمضان سال ۶۰۶ در حالی که بیماریش به شدت ادامه داشت به شاگردش ابراهیم بن ابوبکر بن علی اصفهانی دستور کتابت وصیت‌نامه‌اش را داد. پس از کتابت وصیت‌نامه بیماری ادامه یافت تا روز عید فطر همان سال که وفات یافت. در محل دفن امام اختلاف است برخی مطلق شهر هرات را ذکر کرده‌اند ولی برخی تصریح کرده‌اند که در روستای مزداخان در نزدیکی شهر هرات در دامنه کوهی دفن شدند.<sup>(۱۷)</sup>

### پی‌نوشت‌ها:

۱. ندوی، عبدالسلام؛ امام رازی؛ چاپ اول، لاهور: اداره اسلامیات، ۱۹۸۸م، ص ۱۴.
۲. مصاحب، غلامحسین (به سرپرستی)؛ دایرة المعارف فارسی؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۸۴۷.
۳. همان؛ ص ۱۸۴۷.
۴. همان؛ ص ۱۸۴۷-۱۸۴۸.
۵. رازی، فخرالدین؛ تفسیر کبیر؛ چاپ دوم، تهران: دارالکتب العلمیه ج ۱، مقدمه.
۶. همان.
۷. ابوغده، عبدالفتاح؛ ارزش وقت نزد علمای اسلامی؛ ترجمه محمدعلی خالدی (سلطان‌العلماء)؛ چاپ اول، شیراز: ایلاف، ۱۳۸۴، ص ۲۱.
۸. رازی، فخرالدین؛ اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین؛ تعلیق محمد معتمد بالله البغدادی؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷هـ/ ۱۹۸۶م، ص ۹-۱۰.
۹. سربازی، محمدعمر؛ تبیین الفرقان؛ تربت‌جام: شیخ‌الاسلام احمد جام، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹۵.
۱۰. عثمانی، محمدشفیع؛ معارف القرآن؛ ترجمه محمدیوسف حسین پور، تربت‌جام: شیخ‌الاسلام احمد جام، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۵.
۱۱. عثمانی، محمدتقی؛ علوم القرآن، ترجمه محمدعمر عیدی؛ چاپ اول، تربت‌جام: شیخ‌الاسلام احمد جام، ۱۳۸۳، ص ۴۱۲.
۱۲. لغت‌نامه دهخدا؛ ج ۱۱، ص ۱۶۹۹۲.
۱۳. همان.
۱۴. فرحات، نعمان؛ مسائل الخلاف بین فخرالدین الرازی و نصیرالدین الطوسی؛ بیروت: الغدیر، ۱۴۱۸هـ/ ۱۹۹۷م، ص ۱۴.
۱۵. ندوی، عبدالسلام؛ امام رازی؛ ص ۱۴.
۱۶. لغت‌نامه دهخدا؛ ج ۱۱، ص ۱۶۹۹۲.
۱۷. ندوی، عبدالسلام؛ امام رازی؛ ص ۱۶.

### فرزندان

آمار دقیق فرزندان امام مشخص نشده، اما برخی نویسندگان اسم چهار پسر و یک دختر را ذکر کرده‌اند. امام پس از وفات خویش دو پسر برجای گذاشت که لقب بزرگ‌تر ضیاء‌الدین و لقب کوچک‌تر شمس‌الدین بود. شمس‌الدین دارای استعداد و ذهانت سرشار بود که امام رازی در وصف وی گفته است: اگر پس از من بماند در علوم پا فراتر از من می‌گذارد. غالباً کنیت وی ابوبکر بود، اما شهرزوری در تاریخ‌الحکما می‌نویسد: ابوبکر فرزند بزرگ‌تر امام بود و در مسند درس و موعظه جانشین امام شد. دیگر فرزند امام، محمد بود که مورد محبت امام بود ولی در حیات امام وفات یافت؛ چنان‌که امام در تفسیر کبیر از فقدان وی اظهار غم و اندوه می‌نماید و در پایان تفسیر سوره یونس می‌نویسد: تفسیر سوره یونس را در رجب سال ۶۰۰ به پایان بردم در حالی که برای فرزندم محمد بی‌نهایت غمگینم. پس از وفات محمد، خداوند فرزند دیگری به ایشان عنایت فرمود که باز هم اسم وی را محمد گذاشت. یک دختر ایشان به ازدواج علاء‌الملک وزیر خوارزمشاه درآمد. هنگامی که فتنه چنگیزخان جهان اسلام را درنوردید و مهاجمان مغول به قتل‌عام و خونریزی اقدام کردند، داماد امام علاء‌الملک از چنگیز امان‌نامه درخواست کرد که به ایشان امان داده شد. وقتی لشکریان چنگیز وارد شهر هرات شدند علاء‌الملک برای فرزندان امام طلب امان کرد که موافقت شد. بسیاری از اقارب، اعیان سلطنت، بزرگان شهر و فقها به محل سکونت فرزندان امام آمدند و پناه‌بند شدند به تصور این‌که آن‌ها خانه بزرگ سلطنتی با هر که در آن باشد در امان خواهد بود، اما لشکریان بی‌رحم چنگیز همه آوارگان را قتل‌عام و فرزندان امام را با خود به سمرقند محل اقامت چنگیز منتقل کردند؛ «إنا لله و إنا إليه راجعون».<sup>(۱۵)</sup>

### شعر فارسی از امام رازی

ای دل ز غبار جهل اگر پاک شوی/ تو روح  
مجردی بر افلاک شوی/ عرش است نشیمن  
تو شرمت ناید/ کآیی و مقیم توده‌ای خاک  
شوی. گنه خردم در خور اثبات تو نیست/ و  
آرامش جان جز به مناجات تو نیست/ من  
ذات تو را به واجبی کی دانم/ داننده ذات تو  
به جز ذات تو نیست. هر جا که ز مهر اثری

مسئله از مسائل کلامی بوده و آن را برای  
پسرش محمد تألیف کرده است؛ ۲- اساس  
التقدیس؛ ۳- أسرار التنزیل و أنوارالتأویل،  
که امام می‌خواسته است آن را در چهار  
قسمت در اصول، فروع، اخلاق، مناجات و  
دعوات تألیف کند، اما پس از تمام قسمت  
اول درگذشته است؛ ۴- أسرار النجوم؛ ۵-  
الإنارات فی شرح الإشارات، در این کتاب  
فخر رازی اشارات ابن‌سینا را شرح کرده  
و اعتراض و انتقاد بسیاری بر بوعلی وارد  
آورده و خلاصه‌ای از همین شرح را خود به  
نام «لباب‌الإشارات» نیز تدوین نموده است؛  
۶- البیان و البرهان فی الرد علی أهل الزيغ  
و الطغیان؛ ۷- تحصیل‌الحق، رساله‌ای است  
در کلام؛ ۸- تعجیز الفلاسفه؛ ۹- تفسیر کبیر  
موسوم به مفاتیح‌الغیب؛ ۱۰- تهذیب‌الدلائل  
و عیون‌المسائل؛ ۱۱- زبدة العالم فی الکلام؛  
۱۲- شرح قانون ابن‌سینا؛ ۱۳- شرح مفصل  
زمخشری؛ ۱۴- شرح نهج‌البلاغه؛ ۱۵- الطریقه  
فی الخلاف و الجدل؛ ۱۶- عصمة الانبیاء؛ ۱۷-  
فضایل الصحابه؛ ۱۸- القضاء و القدر؛ ۱۹-  
الوامع البینات فی شرح أسماء الله و صفاته؛  
۲۰- المباحث العمادیه فی المطالب‌العادیه؛  
۲۱- محصل افکار المتقدمین و المتأخرین من  
الحکماء و المتکلمین؛ ۲۲- المسائل الخمسون،  
در اصول کلام؛ ۲۳- المطالب‌العالیه فی الکلام؛  
۲۴- المعالم فی أصول الفقه؛ ۲۵- المحصل، در  
منطق و حکمت؛ ۲۶- مناقب الإمام الشافعی؛  
۲۷- نهاية الإیجاز، در علم بیان؛ ۲۸- نهاية  
العقول فی الکلام فی درایة الاصول، که  
رساله‌ای است در اصول دین.<sup>(۱۲)</sup>

### شاگردان

در حوزه درس امام رازی بیش از دوهزار  
دانشمند برای استفاده می‌نشستند. حتی در  
مواقع سواری نیز حدود ۳۰۰ تن از فقها و  
شاگردان برای استفاده در رکابش می‌رفتند و با  
این همه بسا در اثر ژرف‌بینی و تعمق در جرح  
و تعدیل اقوال علمای یونان برخی شبهات در  
مطالب عقلی و دینی ابراز می‌داشت و افکار  
و اذهان مستمعان را به تشویش و اضطراب  
می‌انداخت و چه بسا که از حل آن خودداری  
می‌کرد.<sup>(۱۳)</sup> برخی از شاگردان مشهور ایشان  
عبارت‌اند از: ۱- قطب‌الدین مصری،  
۲- شهاب‌الدین نیشابوری، ۳- اثیرالدین بهری  
(مفضل بن عمر)، ۴- شمس‌الدین خسروشاهی،  
۵- شرف‌الدین هروی، ۶- محی‌الدین (قاضی  
مرد)، ۷- ابوبکر ابراهیم‌بن ابوبکر اصفهانی.<sup>(۱۴)</sup>